ایران اقتصادی

سال چهاردهم شماره ۳۹۸۱ | یکشنبه ۳۰ تیر ماه ۱۳۸۷ | ۱۷ رجب ۱۴۲۹ | ۲۰ جولای ۲۰۰۸

اونس طلا (لندن)	۹۵۹/۷۵ دلار	دلار امریکا	۹،۲۳۰ ریال
طلای ۱۸ عیار (مثقال)	۹۷۱،۲۰۰ ریال	یورو	۱۴،۵۷۰ ریال
طلای ۱۸ عیار (گرم)	۲۱۱،۰۰۰ ریال	پوند	۱۸،۳۰۰ ریال
طلای ۱۷ عیار (مثقال)	۹۱۳،۰۰۰ ریال	درهم	۲،۵۲۰ ریال
سکه بهار آزادی (طرح قدیم)	۲،۳۸۰،۰۰۰ ریال	شاخص بورس ایران (قیمت)	۱۲۹۰۶
سکه بهار آزادی (طرح جدید)	۲،۱۵۰،۰۰۰ ریال	شاخص بورس امریکا (داوجونز)	۱۱۴۹۶
نیم سکه بهار آزادی	۱،۰۸۰،۰۰۰ ریال	شاخص بورس آلمان (داکس)	۶۳۸۲
ربع سکه بهار آزادی	۵۵۰،۰۰۰ ریال	شاخص بورس ژاپن (نیکی)	۱۲۸۰۳

۷

در میز گرد طرح تحول اقتصادی بررسی شد

مسیر جدید حمایت های دولت

۱۷ و ۸

صف‌های گاز تا پایان سال جمع می شود

۲۱

رشد ۱۸ درصدی صادرات به چین

۸

درخواستی برای انتشار اوراق مشارکت نداریم

در حالی که چهار ماه از مصوبه هیأت دولت مبنی بر کاهش وابستگی شرکت‌های بزرگ به شبکه بانکی می‌گذرد، هنوز هیچ یک از این ۹۸ شرکت اقدامی مؤثر و عملی در این راستا انجام نداده‌اند.

عکس: ایران / نادر یگانی

۲۲

دیدگاه

اعتماد سازی در نقدی کردن یارانه ها

[سیدعلی امامی]

سهمیه بندی بنزین یک تجربه موفق در تابوشکنی برای دولت نهم بود. تا قبل از سهمیه بندی بنزین موج سنگینی ازانتقادات نسبت به اجرای این سیاست به دولت وارد شده بود به طوری که اکثر کارشناسان اقتصادی سیاست جیره‌بندی را نه در شأن اقتصاد ایران می‌دانستند و نه دولت نهم را قادر به اجرای آن. نقدهای وارد از سوی منتقدین به این طرح اغلب به موضوعات اقتصاد اجتماعی برمی‌گشت. به عنوان مثال به خطر افتادن تأمین زندگی مسافربرها و تاکسی‌ها، افزایش شدید هزینه حمل و نقل مسافر، نابودی اقتصاد گردشگری و به تبع آن اقتصاد وابسته به این صنعت مباحثی بود که قبل از سهمیه‌بندی بنزین در محافل اقتصادی مطرح می‌شد. در آن ایام سهمیه بندی بنزین به گونه‌ای سیاه نمایی می‌شد که بسیاری در انتظار یک بحران اجتماعی جدی برای دولت بودند و حتی برخی پا را فراتر گذاشتند و معتقد بودند با آغاز سهمیه بندی اقتصاد ایران زمینگیر می‌شود و تمام مناسبات فلج می‌گردد.

اما زمانی که سهمیه بندی بنزین اجرا شد و دو سه روز اول مردم رفتارشان را با بنزین سهمیه بندی تطبیق دادند همه مشاهده کردند که هیچ خللی در فعالیت‌های اقتصادی هویدا نگردید و همه چیز طبق روال گذشته پیش رفت.

لذا انتقادات آهسته آهسته رنگ باخت و تقریباً پس از یک دوره زمانی همگی مجاب شدند که در آن مقطع این طرح بسیار مناسب بود و توانست سد محکمی در مقابل برداشت های مکرر از ذخایر ارزی باشد. مضافاً این که تغییری نه در معیشت مردم ایجاد شد و نه سفرهای تفریحی کاهش یافت، حتی بعضاً در برخی موارد نیز این سفرها افزایش یافت.

این تجربه موفق باعث شد دولت در نقدی کردن یارانه‌های سوخت مصمم‌تر شود و کمر همت را سفت کند تا این غده سرطانی که تاکنون اقتصاد ایران را به سختی در عذاب و ناراحتی قرار داده و از اقتصاد ایران بیرون کشد.

شاید همین تجربه موفق دولت نهم در سهمیه بندی بنزین بود که اقتصاددانان را نیز متقاعد کرد در این مهم دولت را یاری دهند و چنانچه انتقادی دارند در قالب نقدی منصفانه آن را بیان کنند. حضور ۱۰۰ اقتصاددان کشور در جلسه صمیمی با رئیس جمهور و مطرح کردن دیدگاههای خود نسبت به تحولات اخیر اقتصادی، حضور مؤثر اقتصاددانان در کارگروه‌های مختلف تحول اقتصادی و حمایت اکثر اقتصاددانان - البته با ملاحظات خاص - از نقدی کردن یارانه‌ها همگی دال بر آن است که ارتباطی دو سویه بین دولت و اقتصاددانان برقرار شده است. سرمایه اجتماعی که به راحتی کسب آن میسر نیست و به سختی می‌توان اتفاق نظری بین صاحبنظران در چنین مواردی جلب کرد.

با این حال چند نکته حائز اهمیت است که به نظر دست‌اندرکاران طرح تحول اقتصادی باید به آن توجه کنند.

۱- ابتدا این که مردم نیز باید نسبت به چنین طرحی مطمئن شوند و این احساس در بین آنان در جریان باشد که همچون سهمیه بندی بنزین وضع بهترمی‌شود و آسیبی به رفاه آنان وارد نمی‌کند، تأکید بر استمرار و نشان دادن افق این طرح شاید مقدمه‌ای برای جلب نظر مردم باشد.

>> ادامه از صفحه ۲۲

در میزگرد طرح تحول اقتصادی بررسی شد

مسیر جدید حمایت های دولت

از چهارم تیرماه که رئیس جمهور از عزم دولت برای اجرای طرح تحول اقتصادی در هفت محور نام برد تاکنون کمتر روزی بوده است که رسانه ها در مورد آن گزارش، تحلیل و بررسی منتشر نکرده باشند و آنچه که از میان ۷ محور اعلام شده نسبت به بقیه از اهمیت و حساسیت بیشتری برای رسانه ها و کارشناسان برخوردار بود اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها و نقدی کردن آن بوده است. اگر چه هدفمند کردن یارانه ها مخالفین و موافقینی داشته و با پرسش ها و ابهاماتی روبه رو بوده اما غالب اقتصاددانان روش فعلی تخصیص یارانه ها را صحیح ندانسته و بر بازنگری روش فعلی تخصیص یارانه ها و به تبع آن بهینه سازی الگوی مصرف خانوارها حداقل در مصرف انرژی تأکید دارند.

گروه اقتصادی روزنامه ایران با توجه به اهمیت موضوع طرح تحول اقتصاد در نظر دارد برای هر کدام از محورهای طرح میزگردی با حضور اقتصاددانان و مسئولان مربوط برگزار کند. اولین میزگرد با محور مسئله یارانه ها و ضرورت تغییر روش های پرداخت و چالش های اجرایی آن با حضور آقایان دکتر علی عسگری عضو کارگروه تحولات اقتصادی، دکتر وحید مجمودی استاد دانشگاه و دکتر علی اکبر خسروی نژاد استاد دانشگاه برگزار شد که مشروح آن از نظر گرامی تان می گذرد.

[سیدعلی امامی - هادی اکبری]

■ به عنوان آغاز سخن از آقای دکتر عسگری به عنوان عضو کارگروه تحولات اقتصادی و فردی که تقریباً از ابتدای کار تدوین طرح حضور داشتند می خواهیم توضیحاتی در مورد این طرح بدهند.

طرح تحولات اقتصادی از سال گذشته به طور جدی و در حضور رئیس جمهور دنبال می شد.

اولین مرحله طرح تحول اقتصادی کالبد شکافی اقتصاد ایران بود و این که در اقتصاد ایران چه مشکلات و تنگناهایی وجود دارد و چگونه می توان این دور باطل را شکست. ماحصل آن بحث ها، چند مسئله مطرح شد و این که کجای اقتصاد ایران باید اصلاح شود.

یکی از مباحث هدفمند کردن یارانه ها بود، اعم از انرژی و تمام یارانه های دیگر. منابع درآمدی دولت نیز کالبد شکافی شد که بخشی از آن مالیات ها بود که بدین نتیجه رسیدیم حجم مالیات ها قابل قبول نیست و ظرفیت مالیاتی اقتصاد ایران بیشتر از این است و در این طرح هم بر دریافت ها و هم پرداخت ها (یارانه ها) بحث شد.

بحث سوم به موضوع گمرک پرداخته شد ما حدود ۴۵ میلیارد دلار واردات داریم اما با این حال درآمدهای گمرکی قابل توجیه نیست.

جا هایی لازم است اصلاح شود. موضوع گمرک در کنارش مباحث قاچاق، تعرفه و ... نیز مطرح است.

بانک ها نیز یکی از چالش های اقتصاد ایران بودند. کارکرد فعلی بانک ها جوابگوی اقتصاد نیست، ضمن این که بی عدالتی زیادی هم در پرداخت تسهیلات مشاهده می شود و یا عقود شارکتی و مبادله ای هر کدام مزایا و معایبی دارند که باید اینها را در نظام بانکی نهادینه کرد و یا در عقود مبادله ای، بانک ها در زیان شریک نیستند و تنها خود را در سود شریک می دانند که این رویه ها نیاز به اصلاح دارد.

یا مثلاً به کارگیری سپرده های قرض الحسنه در عقودی غیر از قرض الحسنه.

بنابراین لازم بود اصلاحاتی در مسائل بانکی صورت بگیرد، نکته بعدی ارزش گذاری پول ملی بود. بحث این است اگر یارانه ها نقدی شود ممکن است جهش قیمت داشته باشیم، بنابراین با ابزار ارزش گذاری پول ملی می توان تا حدی تورم را کنترل کرد.

بحث دیگر که هم اکنون بسیار جدی است نظام توزیع است. در وضع فعلی فاصله تولید کننده از مصرف کننده زیاد است و خیلی از منافع نصیب گروه هایی می شود که در تولید نقشی ندارند.

در صورتی که انواعی از سیستم های توزیعی در سایر کشورهای دنیا تجربه شده که موجب حفظ منافع مصرف کننده و تولید کننده شده است.

البته موضوعات دیگری هم بحث شد ولی این چند تا موضوع مهم تر از همه تلقی شدند.

مسئله دیگر در این بحث ها این بود که چگونه این مسائل بر روی هم اثر می گذارند و نباید آنها را همانند جزایر جدا از هم دید.

تفاوت این طرح با مباحث قبلی عمدتاً در همین است که ما به موضوعات اقتصادی به صورت سیستم نگاه کردیم. در حقیقت در برنامه جدید هدفمند کردن یارانه ها، موضوع باز توزیع درآمد اساس کار است و نه حذف آنها. ما به این سؤال باید پاسخ دهیم که این منابع چگونه می توان در اقتصاد باز توزیع شود و در باز توزیع منافع چه گروه هایی بیشتر باید تأمین شود.

گروه ها در چه دهک هایی بیشتر آسیب پذیرتر هستند و باید به چه گروه هایی بیشتر کمک شود.

البته یک بحث کلان هم مطرح شد به نام بهره وری که باید تمام پیکره اقتصادی به این مسئله توجه کند. مثلاً در آسیای جنوب شرقی و در ژاپن بخشی از جهش اقتصاد آنها از ناحیه رشد بهره وری بوده و نه فقط سرمایه گذاری فیزیکی. ما فعلاً تا حد زیادی وارد اجزای مباحث شده ایم و در شرایط فعلی ضرورتی هم نیست بعضی از بحث ها مطرح شود.

■ آقای دکتر محمودی به نظر شاه بیت این تغییر و تحولات اقتصادی یارانه ها است. به نظر شما چه الزاماتی باید در این تحول اقتصادی رعایت شود؟

اشاره داشتید که شاه بیت این تغییر و تحول یارانه ها است و دلیلش هم حساسیت این موضوع به لحاظ سیاسی و اجتماعی در بین جامعه است. الآن من احساس می کنم که مجموعه اصحاب علم و مطبوعات فقط به موضوع نقدی کردن یارانه ها می پردازند و وزن مباحث در حوزه یارانه ها بیشتر از سایر موضوعات طرح تحول اقتصادی است که به نظرم باید قدری اصلاح شود.

یارانه ها در واقع یکی از اجزای بسته سیاستی است که طبیعتاً در همان چارچوب بسته سیاستی باید به تحلیل و نقد گذاشته شود و باید در جایگاه خودش و در وزن خودش آن را تحلیل کرد، اما قبل از ورود من به بحث یارانه ها، اجازه می خواهم که یک کلیتی را در مورد موضوع داشته باشیم. این روزها که طرح تحول مطرح شده است، استحضار دارید که مخالفت های زیادی نسبت به این نقدی کردن یارانه ها مطرح است. طبیعتاً آنچه که من به عنوان یک کارشناس می خواهم عرض کنم، این است که ما همه نیازمند یک تحول در حوزه اقتصاد هستیم و نباید نگران باشیم و نگرانی خودمان را به گونه ای القا کنیم که جسارت دولت را برای ورود به این بحث بگیریم، ولی یک مشکلی که ما داریم، این است که قدری واقع بین نیستیم. شرایط اقتصادی ما یک شرایط زیبنده مدیریت کشور و ظرفیت های اقتصاد ملی ما نیست. ما نیازمند چنین تحولی هستیم. ما به شاخص ها که نگاه می کنیم، درست است که در خیلی از حوزه ها، توانستیم عملکردهای خوبی داشته باشیم، اما شما اگر به شاخص درآمد سرانه نگاه کنید، به عنوان یک شاخص کلان اقتصادی و این را در نیم قرن گذشته مقایسه کنید، متوجه می شوید با وجود منابع فراوان تزریق شده، ماحصل آن چیز درخور شأن ما نبوده است.

یا اگر فرض بکنید به شاخص های نابرابری نگاه بکنیم و آن را مقایسه کنیم با شاخص های نابرابری با سال های ۳۲، ملاحظه می کنید ضریب جینی نوسان محدودی داشته و هنوز ما در واقع جزو کشورهای با نابرابری نسبتاً بالا هستیم. یا شاخص های فقر را بنگریم یا شاخص های نرخ بیکاری را و دیگر متغیرها، در خواهیم یافت که اقتصاد کشور در شرایط مناسبی نیست. در واقع منابعی که ما داشتیم با این عملکردها خیلی همخوانی ندارد و باید بپذیریم که این تحولات در حوزه اقتصاد باید صورت بگیرد.

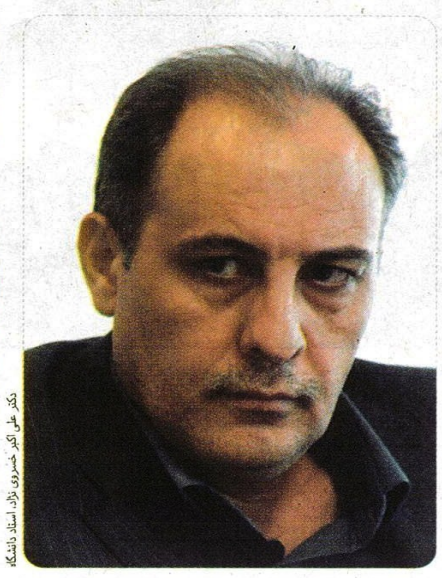

دکتر علی اکبر خسروی نژاد، استاد دانشگاه

در کشورهای در حال توسعه مطالعات نشان می دهد، یک درصد GDP را به یارانه اختصاص می دهند، درحالی که در کشورهای پیشرفته تا ۸ درصد GDP به یارانه اختصاص می یابد

دکتر خسروی نژاد: من به طور خلاصه درباره کلیات صحبت می کنم و سعی می کنم بیشتر به بحث یارانه ها بپردازم. در تمام سیستم ها و در تمام کشور با هر نگرش اقتصادی این پذیرش و وفاق عمومی در بین اقتصاددانان وجود دارد که برای اثربخشی و افزایش کارایی نظام اقتصادی ما باید حرکت کنیم به سمت سیستم بازار، منتها این جهت گیری در کشورهای مختلف فرق می کند. مثلاً در کشورهای در حال توسعه مطالعات نشان می دهد که یک درصد GDP را به یارانه اختصاص می دهند، درحالی که در کشورهای پیشرفته تا ۸ درصد GDP به یارانه اختصاص می یابد. این ناشی از مراحلی است که در فرایند شناسایی مطرح می شود. در کنار این بحث هدفمندی، تجربه کشورهای دیگر نشان می دهد که دو هدف در سیستم هدفمندی وجود دارد.

۱) مسئله تخصیص و کارایی ۲) کاهش فقر

ابتدا در کشورهایی که به دنبال نگاه آزادسازی و باز شدن اقتصاد و مکانیسم قیمت ها بودند و به کاهش فقر توجهی نداشتند، موفقیت های چندانی دیده نمی شود و برعکس کشورهایی که هر دو را توأماً به عنوان هدف کلان در نظر گرفتند، موفقیت های چشمگیری به دست آوردند، این یک نکته اولیه است. اصل مسئله از اینجا آغاز می شود که برای تخصیص یارانه ها منابع محدودی داریم و اگر این شیوه کنونی را بخواهیم ادامه بدهیم، با اصل عدالت همخوانی ندارد، پس می خواهیم این را تخصیص مجدد بدهیم تا مسئله عدالت اجرا شود، باید چه بکنیم؟ در واقع باید یارانه ها را هدفمند کنیم. مسلماً از این که این طرح فازی از منابع را آزاد می کند و این منابعی که آزاد می شود، چه افزایش قیمت و اثرات تورمی خواهند داشت، نکته بسیار مهمی است. مضافاً بر این که ما در واقع در یک آستانه ای از قیمت ها داریم حرکت می کنیم که داده ها در قیمت های فعلی شکل گرفته و در آینده قیمت ها ممکن است آستانه چند برابری داشته باشند. بعضی از کالاهایی که در شرف آزادسازی است، مورد مطالعات تکنیکی باید قرار گیرد، گاهی اوقات با نازک بینی ها و ملاحظات خاصی باید اجرا شود، چه بسا که آن انتقاداتی که در مدل سازی آن کار وجود دارد، بسیار حائز اهمیت است و نباید از آن غفلت کرد.

دکتر محمودی: اولین نکته ای که لازم است ما در مجموعه تغییر و تحول به آن بپردازیم این است که پارادایم فکری و چارچوب حرکتی این تحول باید روشن باشد یعنی ما روی چه پایانه ای می خواهیم این تحول را ایجاد کنیم. خوب استحضار دارید مثلاً در بحث یارانه ها، مدافعان اصلی بحث نقدی کردن یارانه ها، طرفداران مکتب پولی و به هر حال مروجان اقتصاد آزاد هستند و اعتقاد دارند که نقدی کردن یارانه ها در واقع کمک می کند که انحراف قیمتی از بین برود و کارکرد نظام قیمت ها در ساز و کار نظام بازار شکل گیرد و عمل کند و یک نوع شفافیت در عرضه اقتصادی ایجاد می کند. البته نظام بازار هم رویکردهای مختلفی در آن وجود دارد. مکاتب مختلفی در آن مطرح است. با برخورداری از مکتب ها و بینش هایی که هر جامعه ای می تواند با توجه به هویت و پیشینه تاریخ خودش داشته باشد. من برداشتم بر این است که با مجموعه بحث هایی که در باب این طرح تحول اقتصاد شده، ما داریم به این سمت می رویم که قانونمندی های علم اقتصاد را بپذیریم.

■ مرکز آمار از ۱۲ مرداد یک سری فرم هایی را توزیع می کنند که مردم اطلاعاتی براساس خوداظهاری مطرح می کنند و براساس آن طبقه بندی هایی صورت می گیرد. به نظر شما شیوه خوداظهاری شیوه مناسبی برای شناخت گروه ها است؟

دکتر محمودی: ببینید همه پیمایش ها در حوزه حمایت های اقتصادی خوداظهاری است و شاید ما چاره ای جز خوداظهاری نداشته باشیم اما سؤالی که مطرح است این است که اگر ما می خواهیم در پرداخت یارانه ها تبعیضی عمل کنیم طبیعتاً داشتن این اطلاعات به ما کمک می کند که بتوانیم طبقه بندی درستی انجام دهیم.

ولی نکته ای که حائز اهمیت است این است که بعضی ها فکر می کنند که در واقع اگر ما به هر ایرانی فارغ از این که چقدر درآمد داشته باشد پرداخت ماهانه مثلاً ۷۰ هزار- ۱۰۰ هزار تومان داشته باشیم و از آن طرف قیمت یارانه حامل های انرژی را برداریم این طوری به نظر می رسد که ما داریم به همه کمک یکسانی می کنیم که در واقع اینطور نیست.

ما معتقدیم که گروه های بالای درآمدی عمدتاً، گیرنده یارانه انرژی هستند ما فرضمان بر این است که با این آزادسازی قیمت ها از گروه های بالای درآمدی مثلاً شما حدود ۳۰۰ هزار تومان می گیرید و ۱۰۰ هزار تومان یا ۷۰ هزار تومان پرداخت می کنید. عملاً پرداختی به اینها صورت نگرفته اما این ۱۰۰ هزار تومانی که به گروه های پائین درآمد پرداخت می شود این دیگر یارانه ای است که مستقیماً به آنان پرداخت شده و چون قبلاً استفاده کننده نبودند و حالا از یارانه بهره مند می شوند طبیعتاً شما از این مسیر شاهد باز توزیع درآمدها هستید و بشدت می تواند روی منحنی توزیع درآمد اثر خودش را بگذارد. این نوع آزادسازی به نوعی می تواند ضریب جینی و نابرابری را تحت تأثیر قرار دهد و در راستای عدالت باشد، مشروط بر این که آن ملاحظاتی که اشاره شد در این موضوع رعایت شود. لذا من معتقدم با توجه به ضعفی که وجود دارد در کشور ما در پیمایش بودجه خانوار، خیلی به آمارهایی که افراد عرضه می کنند، نباید استناد کنیم.

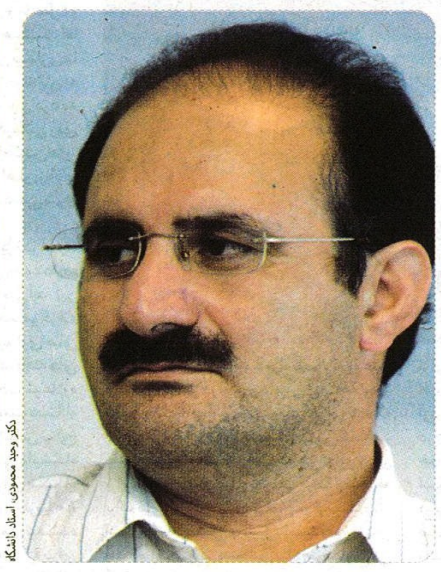

دکتر وحید مجمودی، استاد دانشگاه

من به عنوان یک کارشناس می خواهم عرض کنم شرایط اقتصادی ما یک شرایط زیبنده مدیریت کشور و ظرفیت های اقتصاد ملی ما نیست. ما نیازمند چنین تحولی هستیم

دکتر خسروی نژاد: اما در مورد روش های شناسایی ما هفت تا، روش هدفمندی داریم که کامل ترین هدفمندی، هدفمندی انفرادی یا خانواری است یعنی کاملاً فرد را پیدا کنیم، کجاست. شناسنامه اش را داشته باشیم و مستقیماً یارانه را به دستش برسانیم. هدفمندی بازاری را هم آقای دکتر محمودی اشاره کردند. هدفمندی جغرافیایی، هدفمندی اجتماعی، هدفمندی گروه سنی نیز نوعی دیگر هدفمندی است.

مثلاً به زنان باردار یا دارای نوزاد، شما کوپن شیر می دهید. یا شیر ارزان تر یا مثلاً شیر مدارس. نکته اساسی اش این است که در همه این سیستم ها، وجه مشخص آن شناسایی است که بررسی می شود که چگونه اینها را شناسایی کردیم. الان انتظار می رود که ما به سمت هدفمندی انفرادی یا خانواده حرکت می کنیم. اوج هدفمندی یا اوج شناسایی هم اینجاست. این هدفمندی که در کشور ما، هنوز سامانه اطلاعاتی کافی برای شناسایی کامل نداریم، قرار است با سرشماری اخیر انجام شود. تا قبل از این آمارهای بودجه خانوار ملاک عمل بود تا به گونه ای بحث شناسایی را اجرا کنیم. در روش هایی که موجود است، ۲ تا روش مشخص در روش های هدفمندی است که این دو تا متعلق به صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است. یکی روش آزمون وسع و دیگری آزمون تقریب وسع است. در روش آزمون وسع که در کشورهای پیشرفته عمل می کنند. اطلاعات درآمدی کاملاً شفاف است. در کشورهای در حال توسعه خیلی سراغ این سیستم نمی روند. کشورهای در حال توسعه، نسخه ای که صندوق بین المللی پول برایشان می پیچد روش آزمون تقریب وسع است به این صورت که می گویند چون ما اطلاعات درآمدی را نداریم بهتر است برویم براساس اطلاعات مخارجی، فرد را شبیه سازی کنیم. خوب این بحث هم دارای مشکلاتی است که امروزه سعی شده است که این روش ها را توسعه دهند. خود من هم یک روشی را اخیراً معرفی کردم و در کنفرانسی بین المللی هم ارائه دادم.

دکتر عسگری: واقعیت امر این است که نظام فعلی توزیع یارانه به تجربه نشان داد که روش کارآمدی نیست مثلاً به میزان یارانه فعلی شیر باید به هر ایرانی در سال، ۲۷ لیتر شیر بدهیم ولی مشخص است که چنین چیزی صورت نمی گیرد لذا اصلاح و رساندن منابع به گروه های هدف یک ضرورت است.

برای آغاز کار ما از روش خوداظهاری برای شناسایی شروع کردیم، ممکن است در این خوداظهاری خطای محاسباتی هم وجود داشته باشد اما هم اکنون بهترین روش از نظر ما این روش بود.

در خیلی از کشورها، دولت ها از طریق خوداظهاری هم به منابع درآمدی افراد دسترسی می یابند هم اگر هزینه مضاعف یا جدیدی به آنها تحمیل شد به دولت اعلام می کنند.

امروز افرادی که به منابع درآمدی غیر از حقوق دسترسی دارند مثل اجاره مسکن، کار دوم و غیره با تکمیل فرم اطلاعات اقتصادی این فرصت به وجود می آید که اطلاعات پایگاه های اطلاعاتی دیگر نیز تکمیل شود تا در برنامه ریزی جامع استفاده شود. در مرحله اول اطلاعات اقتصادی از مردم خواسته می شود ولی در مراحل بعدی با اطلاعاتی که در پایگاه های دیگر وجود دارد پالایش هایی صورت می گیرد. بر اساس این سرشماری شناسایی بر اساس خانوار است و پرداخت هم بر اساس خانوار است.

اگر به مباحث اولیه علم اقتصاد، توسعه و همچنین تجربیات سایر کشورها توجه شود و این موضوع را دنبال کنیم در مراحل اول خیلی به بحث های توزیع درآمد و تأمین نیازهای اساسی توجه نمی شد، در حقیقت اقتصاددانان آن دوره توجه به رشد را به تنهایی کافی می دانستند. در مراحل بعدی تأمین نیازهای اساسی در کنار رشد مطرح شد و این که باید به مسائلی از جمله توزیع درآمد نیز در کنار رشد توجه داشت. بنابراین اگر ما سیاست های رشد را دنبال می کنیم باید سیاست های توزیع درآمد و منابع را نیز مدنظر داشته باشیم. این کار مقطعی نیست و باید طی دوره های مختلف تکمیل و دنبال شود.

در این طرح اصلاً بحث نیست که گروه های درآمدی بالا از یارانه محروم شوند بلکه به تمام گروه ها یارانه پرداخت می شود اما ممکن است تبعیضی هم وجود داشته باشد. مثلاً ممکن است خانواری ماهی یک میلیون تومان هم درآمد داشته باشد. اما یک فرد سرطانی هم داشته باشد که ماهی ۶۰۰-۵۰۰ هزار تومان هزینه درمان دارد. باید این اطلاعات در پایگاه ها بیاید و سپس نسبت به پرداخت ها تصمیم گیری می کنیم.

دکتر محمودی: حالا فرض کنید ما این اطلاعات را گرفتیم، این اطلاعات خوداظهاری، می تواند در خیلی از زمینه ها به ما کمک کند. بحثی که من اشاره داشتم یک نوعی سیاست مضاعف باز توزیعی است. اگر قرار است که ما این شناسایی ها را که انجام دادیم، بیاییم بگوییم که مثلاً این هایی که پائین ترند دهک اول و دوم و سوم بیشتر کمک شوند و دهک چهار و پنجم مقداری کمتر از قبلی و چهار دهک دیگر هم یارانه ندهیم، منظور من این است که شما قبل از این که بخواهید چنین تبعیضی را بر اساس خوداظهاری انجام دهید، وقتی که یارانه ها را نقدی پرداخت می کنید همین باز توزیعی صورت گرفته است.

نکته دیگری که خودش به صورت خودکار عمل می کند بحث هزینه فرصت است. آقای دکتر خسروی نژاد اشاره داشتند که بعضی افراد نمی آیند یارانه بگیرند و اطلاعات بدهند و به خاطر نفس کرامت اخلاقی و به هر حال ملاحظات اخلاقی که این ها دارند اقدام به ثبت نام نمی کنند، پس به طور طبیعی یک بخشی از افراد نمی روند از این نوع سیاست ها برخوردار شوند، لذا در این حمایت ها منطق هزینه فرصت عمل باز توزیعی را در جای خودش انجام می دهد. بحث من الان این نیست که این روش را انجام ندهیم ولی اتکا به این روش در این مرحله ریسکی دارد. من چند تا ملاحظه در همین مورد عرض کنم که یکی بحث خطای محاسباتی هست که اشاره داشتیم چون دولت به هر حال نیازمند این است که اعتماد ملی و سرمایه اجتماعی را در این فرآیند تقویت بکند و رابطه بین دولت و ملت باید با این گونه سیاست ها بیشتر شود، اگر احساس شود که یک نوع سیاست صلبی و مچ گیری و اطلاعاتی در این سیستم حاکم است تبعات خیلی منفی دارد، باید به گونه ای باشد که افراد احساس نکنند که از اطلاعات سوءاستفاده می شود. نکته بعد این است که اطلاعاتی که من دادم آیا درست است یا درست نیست. یکی هم بحث رانتی است که به هر حال در این سیستم ایجاد می شود.

■ به نظر شما تغییراتی که در الگوی مصرف خانوار ایجاد می شود چیست و بر اقتصاد چه تأثیری دارد.

دکتر خسروی نژاد: ببینید برای تمامی کشورها سؤال این است.

ما از نقطه A می آییم به نقطه B. این آزادسازی چه اثراتی را به دنبال دارد؟

مسلماً نکته اساسی این است که رفتارها در سطح جامعه متفاوت است. ما گروه های مختلف درآمدی داریم که واکنش رفتارشان نسبت به همدیگر متفاوت است در واقع ما باید شناسایی کامل از رفتارها داشته باشیم، رفتارها نه تنها در گروه های برابری متفاوت است، بلکه در مناطق جغرافیایی هم متفاوت است.

حساسیت در مقابل کشش قیمت در طول دهک ها متفاوت هست. یک نقدی که من در حدود ۴-۳ سال پیش در نوشته هایم داشتم، این بود که ما خیلی از اطلاعات دهک های درآمدی را نمی توانیم استفاده کنیم. دهک های درآمدی از لحاظ آماری خیلی بهینه نیستند. مسلماً اگر برگردم به پاسخ شما در مطالعاتی که انجام شده، نشان داده می شود که مثلاً برای کالای اساسی با آزادسازی یک مقدار خاصی افزایش قیمت. میزان جبرانی که باید پرداخت شود، در بین گروه های مختلف درآمدی متفاوت است. در واقع اگر یک شاخصی را در نظر بگیریم تحت عنوان تغییرات در هزینه زندگی، تغییرات در هزینه زندگی برای گروه های بالای درآمدی بسیار کمتر است تا تغییرات در گروه های پائین درآمدی. برای همین است گفته می شود که باید با دقت بیشتری این کار را انجام داد.

دکتر عسگری: این تغییر رویه قطعاً در الگوی رفتار مصرفی افراد تأثیر خواهد گذاشت و رفتار افراد و اشخاص نسبت به تعدیل قیمت ها و پرداخت یارانه ها اصلاح می شود. اما آنچه مهم است، بحث کارکرد اقتصاد است. ما در اقتصادمان در تولید و هم در مصرف با عدم کارآیی مواجه هستیم. در اقتصاد کشورهای پیشرفته کارآیی لازم در تولید و مصرف وجود دارد. ما این کارکرد را ضمن اجرای طرح باید اصلاح بکنیم. لذا اصلاح نظام یارانه ها یقیناً در نحوه رفتار و تغییر الگوی مصرف ما تأثیر می گذارد. دولت ها در جاهایی باید سیاستگذاری شان را طوری جهت بدهند که الگوهای مصرف را به سمت بهینه سوق دهد. مثلاً یارانه هایی که به شیر مدارس تعلق می گیرد حالت بهینه آن، این است که به همین شیوه بماند چون بچه ها در سن رشد به شیر احتیاج دارند. حال هر چقدر هم که شیر بخورند، ضرر نمی کنند.

دکتر خسروی نژاد: اگر اجازه بفرمایید به چند نکته که فکر می کنم لازم است، در کلیت به آن اشاره شود، ضمن این که تأیید کنم فرمایش اولیه دوستان را مبنی بر این که این وفاق وجود دارد که ما باید سیستم را به سمت هدفمندی حرکت دهیم. منتها ملاحظات زیادی باید در این مسیر وجود داشته باشد.

یکی از ملاحظاتی که وجود دارد و در ادبیات اقتصادی هم به کرات به آن اشاره شده و در صحبت های آقای دکتر عسگری هم بود، استمرار است. استمرار در دو جا مهم است. یکی استمرار این سیاست است یعنی خانوار این فکر را نکند که اگر معادل پولی به هر طریقی منتقل شود، فرد احساس کند که در یک مدت کوتاهی مبالغ پرداخت می شود و در یک زمان کوتاهی هم پایان می یابد. این استمرار هم در اجرای سیاست است و هم در ایجاد سامانه اطلاعاتی و... است. ببینید در همه کشورها یک نهضت عمومی ایجاد می کنند برای گرفتن اطلاعات اولیه. بعد یک دستگاه مشخص و عریض و طویلی برای به روز کردن این سیاست ها تشکیل می شود. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم، نقدی کردن آخر قضیه است نه اول قضیه. یعنی راحت ترین و سهل الوصول ترین کار نقدی کردن است و در حوزه یارانه و کالای اساسی و مواد غذایی سراغ نقدی کردن نمی روند، چون شاخص امنیت غذایی مان بسیار پائین است خصوصاً در گروه های دهک های پائین.

من در یک مطالعاتی که کردم، خانوارها را به پنج گروه مستقل تقسیم بندی کردم. نرخ مشارکت غذایی در گروه های پائین درآمدی بسیار پائین است. نرخ مشارکت غذایی یعنی چی؟ یعنی تعداد کسانی که در واحد زمان، کالا می خرند به کل تعدادی که در آن طبقه هستند. یعنی فرد مورد نظر برای خرید کالا مراجعه نکرده است. نکته بعدی که باید به آن اشاره کنیم، موقعی که شما یارانه را نقدی می کنید، توزیع دارایی ها و درآمد خانوار متفاوت است. اینجا هم باید به فکر باشیم. یعنی باید به فکر باشیم بعد از این که پرداخت نقدی کردیم، در مبالغی که گفتیم خصوصاً طبقات پائین درآمد، این مبالغ را چگونه مصرف می کنند آیا اگر احساس کند که یک درآمد مستمر است، ممکن است برود یک دارایی بخرد که این دارایی، خودش تقاضا برای آینده اش ایجاد کند. مثلاً برای بعضی گروه های درآمدی، احساس می کند که ماهیانه، ۷۰ یا ۱۰۰ هزار تومان می تواند از این محل درآمد داشته باشد. خوب می تواند تقاضا برای اتومبیل داشته باشد و این اتفاق منجر به وام گیری می شود و یک سیکل درست کند یعنی ما باید بیاییم در حوزه بسیار خرد آن و اثرات توزیع درون خانوار پس از پرداخت نقد کردن را بررسی کنیم.

آیا رفتارها تغییر می کند؟ به نظر من رفتارها بسیار عمیق تغییر می کند. این نکته ای است که حتماً باید به آن عنایت خاصی داشت و نهایتاً من یک تکمله بزنم به صحبت های آقای دکتر محمودی، ببینید، الان مثلاً در بعضی از کشورهای پیشرفته که اوج سیستم های حمایتی را دارند مثل نروژ و کشورهای اسکاندیناوی و... ساعت کار محدود شده است. حداکثر ساعت کار در واحد زمان هفت ساعت است و برای پنج روز در هفته چیزی حدود ۳۵ ساعت. به اضافه یک ماه تعطیلی اجباری. می خواهم بگویم در کشورهای پیشرفته به اینها به چشم هزینه نمی بینند بلکه نگاه حمایتی به آن دارند و ما باید موقعی که داریم به این یارانه ها توجه می کنیم، فقط صرف اصلاح نظام بازار به آن نباشد و باید بیاییم با نگاه هزینه های رفاهی دولتی به آن بپردازیم. حتی اگر بپذیریم که بعد از این اصلاح، سیستم هدف مندی هزینه های یارانه ای ما بیشتر از قبل می شود. اشکالی ندارد چون که سطح رفاه مان افزایش می یابد.

دکتر محمودی: آیا این نقدی کردن یارانه ها را در چارچوب های نظام رفاهی حمایتی نگاه می کنیم یا نه؟ چون یکی از بحث های مهمی که وجود دارد، این است که آیا ما اگر این یارانه ها را به صورت نقدی با همه ملاحظاتش که آقای دکتر عسگری اشاره کردند، بپردازیم، آیا ما همچنان سایر سیاست ها و نهادهای حمایتی را می خواهیم به همان سبک و سیاق داشته باشیم. آیا کمیته امداد با همان چارچوب می خواهد کار کند. لذا چیزی که حائز اهمیت است، این است که هدف اصلی یا خرو